

Lecture intertextuelle des *Maktoobat-e Kamal-al-Dawleh* d'Akhundzadeh (Lettres de Kamal al-Dawla) et des *Lettres persanes* de Montesquieu

Akbar ShayanSeresht¹ (Auteur correspondant) 
Maître de Conférences, Université de Birjand, Birjand, Iran

Zahra Khosravi Zargaz
Doctorante en langue et littérature persanes, Université de Birjand, Birjand, Iran

Ebrahim Mohammadi
Maître de Conférences, Université de Birjand, Birjand, Iran

Abbas Vaezzadeh
Maître-Assistant, Université de Birjand, Birjand, Iran

Résumé

Cette recherche explore les origines du roman épistolaire dans la littérature iranienne, en se concentrant sur *Maktoobat-e Kamal-al-Dawleh* de Mirza Fathali Akhundzadeh. Cet ouvrage, inspiré par *Les Lettres persanes* de Montesquieu, adopte la forme épistolaire pour aborder des thèmes similaires à ceux de l'auteur français. En s'appuyant sur la théorie de l'intertextualité, cette étude analyse les convergences et les divergences entre ces deux textes fondateurs. La question centrale consiste à déterminer dans quelle mesure *Maktoobat-e Kamal-al-Dawleh* fait écho aux *Lettres persanes* en termes de structure, de contenu et de style. Les deux œuvres utilisent la forme épistolaire pour mener une critique sociale incisive, en adoptant le point de vue de personnages étrangers afin d'analyser leur propre société. Parmi les thèmes récurrents figurent la dénonciation des systèmes politiques et sociaux, des institutions religieuses, l'appel à la réforme sociale, ainsi que les questions d'identité, de souveraineté et de progrès éducatif. Tout en adhérant aux idées fondamentales de Montesquieu, Akhundzadeh a adapté ces thèmes aux spécificités culturelles et politiques de l'Iran du XIX^e siècle. Cette analyse révèle le potentiel de la littérature comme lien entre civilisations, en offrant un espace à la critique et à la remise en question des structures sociales et politiques. La comparaison de ces deux œuvres éclaire les courants de pensée et les tendances littéraires d'une période de profonds bouleversements.

Mots-clés : Littérature comparée, roman épistolaire, *Lettres persanes*, *Maktoobat-e Kamal-al-Dawleh*, littérature française.

¹. E-mail: ashamiyan@birjand.ac.ir DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2025.92505.1140>
<https://orcid.org/0000-0003-8066-1364>

An Intertextual Reading of Akhundzadeh's *Maktoobat-e Kamal-al-Dawleh* (Letters of Kamal al-Dawla) and Montesquieu's *Persian Letters*

Akbar ShayanSeresht¹ (Corresponding author) 
Associate Professor, University of Birjand, Birjand, Iran.

Zahra Khosravi Zargaz
PhD Student in Persian Language and Literature, University of Birjand, Birjand, Iran.

Ebrahim Mohammadi
Associate Professor, University of Birjand, Birjand, Iran.

Abbas Vaezzadeh
Assistant Professor, University of Birjand, Birjand, Iran.

Abstract

This article explores the origins of the epistolary novel in Iranian literature, with a specific focus on Mirza Fath-Ali Akhundzadeh's seminal work, *Maktoobat-e Kamal-al-Dawleh*. Inspired by Montesquieu's renowned *Persian Letters*, Akhundzadeh masterfully employed the epistolary format, weaving in themes that resonated deeply with those explored by the French Enlightenment thinker. Employing the framework of intertextuality, this research conducts a comprehensive analysis of the parallels and transformations that emerge between these two seminal literary works. Both Akhundzadeh and Montesquieu employed the epistolary form as a powerful tool for incisive social critique, skillfully utilizing the perspectives of foreign narrators to scrutinize their respective societies. A spectrum of recurring themes, including sharp criticisms of political and social systems, the examination of religious institutions, impassioned calls for societal reform, and explorations of identity, governance, and the imperative of educational advancement, is meticulously analyzed across both texts. In crafting *Maktoobat-e Kamal-al-Dawleh*, Akhundzadeh, while remaining steadfastly committed to the core philosophical tenets of Montesquieu's oeuvre, adeptly adapted the thematic material to the unique cultural and political milieu of 19th-century Iran. This investigation illuminates the profound capacity of literary works to serve as conduits between disparate cultures, simultaneously fostering spaces for critical discourse and challenging established social and political paradigms. Ultimately, a comparative analysis of these two literary landmarks provides invaluable insights into the intellectual currents and burgeoning literary trends that characterized a period marked by significant historical and societal upheaval.

Keywords: Comparative literature, Epistolary novel, *Persian Letters*, *Maktoobat-e Kamal-al-Dawleh*. French literature.

¹. E-mail: ashamiyan@birjand.ac.ir DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2025.92505.1140>
<https://orcid.org/0000-0003-8066-1364>

نشریه علمی پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه، دوره هفتم، شماره دوم (پیاپی ۱۳)، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

نقد خوانش بینامتنی مکتوبات کمال‌الدوله آخوندزاده و نامه‌های ایرانی مونتسکیو

مقاله پژوهشی

اکبر شایان سرشت^۱ (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

زهرا خسروی زارگر

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

ابراهیم محمدی

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

عباس واعظ زاده

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

چکیده

این مقاله به بررسی ریشه‌های رمان مکاتبه‌ای در ادبیات ایران و به‌طور خاص، مکتوبات کمال‌الدوله اثر میرزا فتحعلی آخوندزاده می‌پردازد. آخوندزاده با تأثیر از نامه‌های ایرانی مونتسکیو، اثر خود را در قالب مکاتبه و با مضامینی مشابه به نگارش درآورده است. پژوهش حاضر با استفاده از نظریه بینامتنیت، به بررسی ماندگاری‌ها و دگرگونی‌های این دو اثر می‌پردازد. مسأله اصلی تحقیق آن است که مکتوبات کمال‌الدوله تا چه اندازه از نظر ساختار، مضامین و سبک، به رمان نامه‌های ایرانی نزدیک شده است؟ هر دو اثر از قالب نامه‌نگاری به عنوان ابزاری برای نقد اجتماعی بهره می‌گیرند و از زاویه دید شخصیت‌های خارجی برای نقد جوامع خود استفاده می‌کنند. مضامین مشترکی نظیر انتقاد از نظام سیاسی و اجتماعی، نقد نهادهای مذهبی، درخواست اصلاحات اجتماعی، هویت، حاکمیت و پیشرفت آموزشی در هر دو اثر مورد بررسی قرار می‌گیرد. آخوندزاده در نگارش مکتوبات کمال‌الدوله، ضمن وفاداری به مفاهیم اصلی اثر مونتسکیو، موضوعات را با شرایط فرهنگی و سیاسی ایران منطبق می‌سازد. مؤلفان هر دو اثر، از فرم نامه‌نگاری برای بیان ایده‌های خود استفاده کرده و از زبان ادبی و لحن طنزآمیز برای پیشبرد نقد بهره می‌برند. این پژوهش نشان می‌دهد که آثار ادبی می‌توانند پل ارتباطی میان فرهنگ‌های مختلف باشند و به نقد ساختارهای اجتماعی و سیاسی بپردازند. بررسی تطبیقی این دو اثر، روندهای فکری و ادبی شکل گرفته در زمانه‌های پرتلاطم سیاسی و اجتماعی را روشن می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی، رمان مکاتبه‌ای، نامه‌های ایرانی، مکتوبات کمال‌الدوله، ادبیات فرانسه.

^۱. E-mail: ashamiyan@birjand.ac.ir DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2025.92505.1140>
<https://orcid.org/0000-0003-8066-1364>

۱. مقدمه

رمان مکاتبه‌ای به عنوان یک گونه ادبی، از طریق تبادل نامه‌ها میان شخصیت‌های داستان، ساختار روایی خود را بنا می‌نهد؛ به نحوی که خواننده از رهگذر این نامه‌ها به درک فضای داستانی و تحولات آن نائل می‌آید. «ساختار رمان مکاتبه‌ای مبتنی بر مبادلات نامه‌ای میان شخصیت‌ها است و خواننده را مستقیماً وارد فضای داستان می‌کند» (گری، ۱۳۸۲، ص. ۱۱۹). بررسی پیشینه این ژانر در ایران، ما را به اثر *مکتوبات کمال‌الدوله میرزا فتحعلی آخوندزاده* رهنمون می‌سازد. آخوندزاده، متأثر از ادبیات مغرب‌زمین، به ویژه رمان *نامه‌های ایرانی* اثر مونتسکیو، برجسته‌ترین اثر خود را در قالب مکاتبه و با مضامین مشابه پدید آورده است. از این رو، خوانش بینامتنی این دو اثر، برای شناخت عمیق‌تر رمان مکاتبه‌ای در ایران حائز اهمیت است.

پژوهش حاضر، با رویکردی تطبیقی، به تحلیل ساختار، مضامین و سبک نگارش رمان مکاتبه‌ای در دو اثر *نامه‌های ایرانی* مونتسکیو و *مکتوبات کمال‌الدوله آخوندزاده* می‌پردازد. هدف این مطالعه، ابتدا شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری و فرمی در هر دو اثر است تا چگونگی بهره‌گیری از قالب مکاتبه‌ای مورد واکاوی قرار گیرد. در گام بعدی، مضامین اصلی هر دو اثر و نحوه بازتاب آن‌ها در بستر فرهنگی و اجتماعی جوامع مربوطه بررسی می‌شود. در نهایت، ویژگی‌های سبکی و زبانی این دو رمان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد تا میزان تشابه و تمایز آن‌ها آشکار گردد. این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد بینامتنی و با بهره‌گیری از ابزار تحلیل گفتمان و مطالعه تطبیقی دو اثر، به مقایسه و بررسی وجوه مشترک و تفاوت‌های ساختاری، مضمونی و سبکی آن‌ها می‌پردازد. این پژوهش بر این فرضیه استوار است که *مکتوبات کمال‌الدوله* با الهام از *نامه‌های ایرانی*، ضمن حفظ برخی از ویژگی‌های ساختاری و مضمونی اثر مونتسکیو، با توجه به بستر فرهنگی و اجتماعی ایران، تغییرات و تطبیق‌هایی را نیز در خود نشان می‌دهد؛ بنابراین، مسأله اصلی تحقیق آن است که *مکتوبات کمال‌الدوله* تا چه اندازه از نظر ساختار، مضامین و سبک، به رمان *نامه‌های ایرانی* نزدیک شده است؟

۱-۱. پیشینه‌ی تحقیق

پژوهش حاضر در صدد بررسی بینامتنی مکتوبات کمال‌الدوله آخوندزاده و نامه‌های ایرانی مونتسکیو است. این بررسی در حالی صورت می‌گیرد که هر یک از این دو اثر، به‌طور جداگانه، موضوع مطالعات متعددی بوده‌اند. مطالعات انجام‌شده بر نامه‌های ایرانی مونتسکیو، اغلب بر نحوه بازنمایی ایرانیان در این اثر و تأثیر آن بر شکل‌گیری تصورات غربی از ایران تمرکز داشته‌اند؛ برای نمونه، فاطمه عشقی در آثار خود، به‌ویژه مقاله «ایران در نامه‌های مونتسکیو»، به بررسی نقش این اثر در شکل‌دهی تصویری خاص از ایران در جهان غرب پرداخته است (عشقی، ۱۳۷۸، ص. ۲۷۴). سوسن بیضاوی نیز در مقاله‌ای با عنوان «تحقیقی پیرامون نامه‌های ایرانی اثر مونتسکیو»، ضمن تحلیل این اثر، بر اهمیت گفتگوی تمدن‌ها و نقش ادبیات در این زمینه تأکید کرده است (بیضاوی، ۱۳۸۳، ص. ۸۳). ایرج اعتصام‌زاده در مقاله کوتاهی تحت عنوان «مونتسکیو و نامه‌های ایرانی» شواهدی از عدم حقیقی بودن نامه‌ها به کمک نشان‌دادن اشتباهات موجود در این نامه‌ها ارائه می‌دهد. (اعتصام‌زاده، ۱۳۰۵)

در خصوص مکتوبات آخوندزاده نیز، پژوهش‌های گوناگونی با محوریت مضامین انتقادی، سیاسی و اجتماعی اثر انجام شده است. علی فردوسی و همکارانش در «بررسی تطبیقی افکار باستان‌گرایانه میرزا فتحعلی آخوندزاده و ابراهیم پورداوود» برای نشان‌دادن آراء و نظرات آخوندزاده به‌عنوان یک روشنفکر سکولار در مورد ایران و باستان‌گرایی به سراغ کتاب مکتوبات کمال‌الدوله رفته و شواهدی از این کتاب ارائه می‌دهد (فردوسی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۸۷). زرقانی و همکارانش نیز در مقاله «رویکردهای روشنفکرانه عصر مشروطه» برای بررسی رویکرد عرب ستیزانه و دساتیری به سراغ این کتاب رفته‌اند (زرقانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹). جوادی و همکاران در کتاب *طلایه‌دار مدرنیسم سیاسی در ایران: میرزا فتحعلی خان آخوندزاده*، به تأثیرپذیری آخوندزاده از مونتسکیو اشاره می‌کنند. آن‌ها نوع انتخابی آخوندزاده برای بیان‌نامه‌اش (مانیفست) نسبت به محتوای آن را تصادفی ندانسته و معتقدند «هم آخوندزاده و هم

مون‌تسکیو از ژانر نامه‌نگاری برای بیان نقدهای همه‌جانبه‌شان بر فرهنگ‌های مربوط به خود استفاده می‌کنند و به لحاظ فرمی در جهان‌های ادبی خود نوآور هستند» (جوادی و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۷۱). در این کتاب به شباهت‌های این دو اثر اشاره شده است؛ اما بررسی روشمند این شباهت‌ها از حیث ادبیات ضروری به نظر می‌رسد. با این وجود، اغلب این مطالعات، مکتوبات را به صورت منفرد و در چارچوب زمینه‌های فکری و تاریخی خود بررسی کرده‌اند. آنچه پژوهش حاضر را از مطالعات پیشین متمایز می‌کند، تأکید بر خوانش بینامتنی این دو اثر است. در راستای مطالعات حاضر، مقاله‌ی «نامه نگاری‌های فرانسوی- ایرانی، رمان از آن سوی دیوار به مثابه رمانی نامه نگارانه» به بررسی رمان مکاتبه‌ای *از آن سوی دیوار* و بازنمایی تصویر ایران و فرانسه در آن می‌پردازد. با این وجود، پژوهش مذکور، که محدود به تحلیل یک رمان واحد است، در تبیین دیدگاه مؤلفان نسبت به مکاتبه در رمان فاقد جامعیت است؛ به این معنا که مشخص نمی‌سازد آیا ایشان مکاتبه را به عنوان یک ژانر ادبی مستقل، الگویی روایی، یا گونه‌ای از زاویه دید تلقی می‌کنند (مهدی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۲). خوانش بینامتنی، با تمرکز بر روابط متنی و تأثیرگذاری متقابل میان آثار، امکان بررسی هم‌زمان و مقایسه‌ای مکتوبات آخوندزاده و *نامه‌های ایرانی* مون‌تسکیو را فراهم می‌آورد. هدف از این رویکرد، کشف الگوهای احتمالی تأثیرپذیری، تقلید، یا نقد متقابل میان این دو اثر و بررسی چگونگی بازتاب و بازآفرینی مضامین مشابه در بسترهای فرهنگی و زبانی متفاوت است. بررسی بینامتنی مکتوبات آخوندزاده و *نامه‌های ایرانی* مون‌تسکیو از این جهت حائز اهمیت است که می‌تواند به درک عمیق‌تری از تبادلات فرهنگی و فکری میان ایران و غرب در دوره مدرن اولیه کمک کند. این بررسی، ضمن روشن ساختن نحوه تأثیرپذیری روشنفکران ایرانی از اندیشه‌های غربی، می‌تواند تصویری دقیق‌تر از چالش‌ها و فرصت‌های ناشی از مواجهه با «دیگری» فرهنگی ارائه دهد. افزون بر این، این پژوهش می‌تواند به درک بهتری از نقش ادبیات در شکل‌دهی هویت‌های ملی و بازنمایی مسائل اجتماعی و سیاسی در جوامع مختلف منجر شود.

۲-۱. چارچوب نظری

پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی بینامتنی، به بررسی روابط متنی میان *مکتوبات کمال‌الدوله* آخوندزاده و نامه‌های ایرانی منتسکیو می‌پردازد. بینامتنیت، به عنوان یکی از رویکردهای محوری در نقد و بررسی آثار هنری و ادبی، به مطالعه روابط و تعاملات میان متون مختلف می‌پردازد و در مطالعات تطبیقی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نخستین بار ژولیا کریستوا^۱ این مفهوم را مطرح کرد که صرفاً به حضور یک متن در متن دیگر محدود نمی‌شود؛ بلکه فرآیندی پویا از جذب و دگرگونی متون دیگر را در بر می‌گیرد. به گفته کریستوا «بینامتنیت باختین در این ایده آشکار می‌شود که هر متن مانند معرقتی از نقل قول‌ها ساخته شده است. هر متنی جذب و دگرگونی متن دیگری است» (کریستوا، ۱۳۸۷، ص. ۵۲).

رولان بارت^۲ با مطرح کردن ایده مرگ مؤلف^۳، بر این نکته تأکید می‌کند که «معنای متن دیگر محدود به قصد و نیت مؤلف نیست؛ بلکه از طریق تعامل با خواننده و سایر متون شکل می‌گیرد» (بارت، ۱۳۷۳، ص. ۳۸۰). از نظر بارت، متن شبکه‌ای پیچیده از ارجاعات، نقل قول‌ها و کدهای فرهنگی است؛ به این معنا که هر متنی، بازتابی از متون و فرهنگ‌های دیگر است. بارت در پی کشف «لذت متن» است؛ لذتی که از طریق خوانش فعال و تعامل با لایه‌های گوناگون معنایی متن حاصل می‌شود. در مقابل، ژرار ژنت^۴ تعریفی محدودتر از بینامتنیت ارائه می‌دهد و آن را به حضور آشکار یک متن در متن دیگر (مانند نقل قول، اشاره یا تقلید) منحصر می‌کند (نامور مطلق، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۰). این سه نظریه‌پرداز، هر یک با دیدگاه‌های منحصر به فرد خود، به ما در درک عمیق‌تر نحوه تعامل متون با یکدیگر و شکل‌گیری معنا یاری می‌رسانند.

تحلیل ژنت بیشتر بر تأثیر و تأثر متون و وجود عامل مشترک در آن‌ها متمرکز است. «ژنت در کتاب کلام روایی، سه عامل نقل یا گزارش، داستان و روایت را از یکدیگر متمایز

¹ Julia Kristeva

² Roland Barthes

³ La mort de l'auteur

⁴ Gérard Genette

می‌کند» (شیخ‌زاده و همکاران، ۱۴۰۳، ص. ۱۱۵). از نظر او، بینامتنیت به معنای «حضور بالفعل یک متن در متنی دیگر» (آلن، ۱۳۸۰، ص. ۱۴۶) است. با این حال، باید توجه داشت که آخوندزاده در هیچ کجای مکتوبات خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به *نامه‌های ایرانی* مونتسکیو اشاره نکرده است؛ بنابراین، رویکرد بینامتنی ژنت در پژوهش حاضر کارایی چندانی ندارد. از سوی دیگر، کریستوا تأکید دارد که هر متنی، فرامتنی است که از طریق تعامل با سایر متون معنا می‌یابد. او در محور عمودی، هر متن را حاصل جذب و دگرگونی متون دیگر می‌داند. بارت نیز بر این باور است که متن شبکه‌ای از ارجاعات، نقل‌قول‌ها و کدهای فرهنگی است و هر متنی بازتابی از متون و فرهنگ‌های دیگر است. بر این اساس، در پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از آموزه‌های کریستوا و بارت، به بررسی همانندی‌ها و دگرگونی‌های موجود در مکتوبات کمال‌الدوله و *نامه‌های ایرانی* مونتسکیو پرداخته می‌شود. هرچند که در پاره‌ای از موارد، این بررسی به حوزه مطالعات فرهنگی نیز نزدیک می‌شود.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. زمینه تاریخی و فرهنگی دو اثر

در واپسین سال‌های سلطنت لوئی چهاردهم، اثری با عنوان *نامه‌های ایرانی* در سال ۱۷۲۱ میلادی در شهرهای کلن آلمان و آمستردام هلند، به زبان فرانسوی و بدون ذکر نام مؤلف به چاپ رسید. این کتاب به سرعت مورد استقبال گسترده‌ای در اغلب شهرهای اروپایی قرار گرفت و در کمتر از یک سال، با اندکی تغییرات، تجدید چاپ شد. شهرت و اقبال عمومی این اثر، کنجکاوی خوانندگان را برانگیخت و به زودی نام نویسنده‌ی حقیقی آن، یعنی شارل دو سکوندا، بارون دو مونتسکیو، حقوق‌دان، ادیب و نویسنده برجسته، آشکار گشت. نگارش کتاب *نامه‌های ایرانی* قریب به ده سال به طول انجامید؛ تاریخ نخستین نامه آن به پانزدهم صفر ۱۷۱۱ و تاریخ آخرین نامه به هشتم ربیع‌الاول ۱۷۲۰ بازمی‌گردد (مونتسکیو، ۱۴۰۰، ص. ۱۴). این اثر به دلیل محتوای نوآورانه و رویکرد انتقادی خود حائز اهمیت بود و از منظر ساختار، شیوه نگارش، فصاحت و

بلاغت نیز مورد توجه قرار گرفت و زمینه‌ساز نگارش مهم‌ترین اثر مونتسکیو، یعنی *روح‌القوانین* شد. بخش عمده‌ای از اطلاعات مونتسکیو درباره ایران برگرفته از سفرنامه شاردن است. موضوع اصلی کتاب، مهاجرت و اقامت دو مسافر ایرانی در پاریس است. شخصیت محوری داستان، ازبک، اربابی ثروتمند است که به دلیل وقایع ناگوار در ایران، حرمسرا و اموال خود را به خواجه‌گانش می‌سپارد و به همراه دوست جوانش، ریکا، عازم پاریس می‌شود. «در آغاز جوانی به دربار راه یافتیم؛ اما روح من به فساد آلوده نشد. می‌خواستم در دربار هم شرافت خود را حفظ کنم» (مونتسکیو، ۱۳۸۷، ص. ۵۵). هدف این سفر، کسب دانش در حوزه علوم تجربی است. مواجهه آنها با جامعه‌ای که رویه‌هایی کاملاً متفاوت با جامعه خودشان دارد، باعث می‌شود زبان و افکارشان رویکردی انتقادی به خود بگیرد. در پاسخ به نامه‌های این دو نفر یا برای اطلاع‌رسانی اخبار جدید، نامه‌هایی نیز از ایران برای آنها ارسال می‌شود. خواننده از طریق نامه‌های این شخصیت‌ها، از احساسات، منطق و جزئیات زندگی خصوصی آنها آگاه می‌شود. در حقیقت، مونتسکیو با بهره‌گیری از قالب نامه، مجموعه‌ای از افکار سیاسی، اجتماعی، مذهبی و فلسفی را بیان می‌کند که در آن دوران استبداد، کمتر کسی جرئت اظهار چنین دیدگاه‌ها و انتقاداتی را داشت.

در ادبیات جهان، رمان مکاتبه‌ای *نامه‌های ایرانی* پس از انتشار، به دلیل ماهیت انتقادی و طنزآمیز خود، مورد استقبال و توجه فراوانی قرار گرفت. در سال‌های نخستینی که نویسندگان ایرانی با الهام از ادبیات جهان، گونه‌های متفاوتی از جمله رمان، داستان کوتاه و نمایشنامه را تجربه می‌کردند، میرزا فتحعلی آخوندزاده نیز اثر *مکتوبات کمال‌الدوله* را تحت تأثیر مستقیم رمان مکاتبه‌ای *نامه‌های ایرانی* و با هدف مشابه انتقاد از اوضاع جامعه و بیداری مردم به رشته تحریر درآورد. در ادبیات تطبیقی بیش از هر چیز می‌توان به نقاط وحدت اندیشه بشری پی برد که «چگونه اندیشه‌ای در نقطه‌ای از جهان توسط اندیشمندی، ادیبی و یا شاعری مطرح می‌شود و در نقطه دیگر همان اندیشه به گونه‌ای دیگر مجال بروز می‌یابد. گاهی این وام‌گیری و تأثیرپذیری

از حد یک تأثیرپذیری فراتر می‌رود و شاعر و نویسنده متأخر شخصیت خود را آشکارا مطرح می‌کند» (کفافی، ۱۳۸۹، ص. ۸). آخوندزاده در سال ۱۲۵۱ قمری به تفلیس رفت و «در اداره مرکزی دولتی به عنوان مترجم استخدام شد در آن روزگار تفلیس یکی از مراکز دانش و علوم جدید بود و علاوه بر آشنایی با متفکران روسی و آثار متفکران غرب چون شکسپیر، مولیر و مونتسکیو و... آشنایی پیدا کرد. با افکار این اندیشمندان از طریق زبان روس آشنا شد. چون این آثار هنوز به فارسی ترجمه نشده بود» (گودرزی، ۱۳۸۳، ص. ۱۲۰). پیش از این، بهره‌گیری از قالب نامه در خلال روایت، در ادبیات کلاسیک فارسی نیز بی‌سابقه نبود. پس از آن نیز، این شیوه روایی، تحت تأثیر ادبیات غرب قرار گرفته و صور و تأثیرات متفاوتی از آن، با تأسی از ادبیات جهان، تکامل یافته است. میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۲۹۵-۱۲۲۸ ه.ق)، از پیشگامان عصر مشروطه، نماینده تفکر انتقادی و علمی محسوب می‌شود. وی همچنین در زمینه نمایشنامه‌نویسی و داستان‌پردازی به شیوه اروپایی، در منطقه مشرق‌زمین پیشرو بوده است. «مبتکر اصلاح خط و تغییر الفبا در جامعه‌های اسلامی است. منتقد ادب کلاسیک و سنت‌شکن تاریخ‌نگاری است. داعی اخذ دانش و حکمت و مدنیت غربی است. اندیشه‌ساز ناسیونالیسم ایرانی است» (آدمیت، ۱۳۴۹، ص. ۵۴). به‌طور کلی در نظام فکری آخوندزاده ناهمتایی و تناقض راه ندارد و هر چه هست اصالت ماده و سلطنت عقل است. مهم‌ترین نوشته آخوندزاده *مکتوبات کمال‌الدوله* است که در سال ۱۲۴۴ هجری شمسی یا ۱۸۶۵ میلادی نوشته شده است؛ اما تا سال‌ها بعد از نگارش اجازه چاپ پیدا نکرده است. «سرنوشت انتشار *مکتوبات* آخوندزاده با سرنوشت سانسور در ایران گره‌خورده است نگارش اصل کتاب و صورت اولیه آن در سال ۱۸۶۵ میلادی پایان می‌گیرد. تلاش مجدانه نویسنده برای چاپ و نشر آن در ایران یا خارج از ایران همه‌جا با مشکل و مانع روبرو شد» (آجودانی، ۱۳۸۲، ص. ۳۳). وی نسخه‌هایی از این کتاب را برای دوستان و همفکرانش فرستاده و آن گونه که از نامه‌هایش مستفاد می‌شود، انتظار داشته پس از انتشار این کتاب تحول فکری عمیقی در خاورمیانه به وجود آید. «عن‌قریب دوستانم نسخه را در طرفی به

چاپ خواهند رساند و در کل آسیا و آفریقا منتشر خواهند کرد. آن وقت ببینم که وزرای استانبول چگونه دین خودشان را نگاه خواهند داشت. آن وقت دین ایشان از دست خواهد رفت» (آخوندزاده، ۱۳۵۷، ص. ۲۳۵). در این کتاب، میرزا فتحعلی آخوندزاده، نویسنده نامه‌های کمال‌الدوله شاهزاده هندی به جلال‌الدوله ایرانی، خود را صرفاً گردآورنده این مکاتبات معرفی می‌کند و ادعای نویسندگی آن‌ها را رد می‌کند. کمال‌الدوله، به عنوان یکی از روشنفکران زمان خود، پس از سفرهای علمی و فرهنگی به فرانسه، انگلستان و آمریکا، بر اساس درخواست دوست ایرانی‌اش، جلال‌الدوله، سفری نیز به ایران می‌کند. جلال‌الدوله هندی، از تبریز، در نامه‌های خود به جلال‌الدوله مصر، مشاهدات و تجربیات خود را شرح می‌دهد. «این دیدار از ایران در دوره ناصرالدین‌شاه اتفاق می‌افتد و شرح آن در قالب نامه برای جلال‌الدوله ارسال می‌گردد» (آجودانی، ۱۳۸۲، ص. ۱۵۰). این کتاب شامل سه نامه مفصل از کمال‌الدوله در ماه رمضان است. «مکتوب اول کمال‌الدوله با شرح قانون‌نامه قدیمی ایران در عهد جمشید و گشتاسب آغاز شده و پس از آن اوضاع آشفته کشور ایران در زمان مؤلف تشریح شده» (آرین‌پور، ۱۳۵۷، ص. ۳۴۹). در پایان کتاب نیز شاهد حضور خود میرزا فتحعلی آخوندزاده هستیم که خارج از روایت به پاسخگویی و رفع شبهات کمال‌الدوله می‌پردازد.

بررسی اثر ادبی، با توجه به زمان مؤلف و زمینه‌های تاریخی‌ای که متن در آن تولید شده است، می‌تواند آفاق معنایی اثر را تا حد قابل ملاحظه‌ای روشن‌تر سازد. هر دو این اثرها در دوره‌ای از تاریخ شکل‌گیری و تأثیرپذیری از فرهنگ جدید نگاشته شده‌اند و در لبه‌های تأثیر و تأثرات فرهنگی و اجتماعی قرار دارند. از سوی دیگر، هر دو اثر تحت تأثیر سانسور و نقدهای حکومتی قرار گرفته‌اند چرا که در آستانه‌ی تحول و دگرگونی‌های اساسی در کشور نگاشته شده‌اند. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، مونتسکیو، علی‌رغم پنهان داشتن نام مؤلف، قصد نداشت اثر خود را در پاریس به چاپ رسانده و برای انتشار به ناشران آلمانی و هلندی رجوع کند. «مونتسکیو سی و دوساله قاضی‌القضات شهر بود و بر آن شد انسان‌گرایی را به طبیعت فیزیکی، تاریخی،

طبیعت خصوصی و احساسی قابل‌لمس در واقعیت زندگی داخلی که بحث درباره آن ممنوع بود، نزدیک کند» (عشقی، ۱۳۸۹، ص. ۱۹۳)؛ بنابراین از بهترین و آسان‌ترین گزینه فرهنگی یعنی رمان و گنجاندن مسائل مربوطه در آن بهره برد. در آن دوره نفوذ کشیش‌ها در دربار فرانسه به قدری بود که چندین کشیش بزرگ به مقام وزارت رسیدند و بدیهی است که «در چنین سرزمینی حمله به کشیش‌ها کار آسانی نبود. به‌خصوص مونتسکیو که در بسیاری از موارد کاملاً آزادانه به نقد این گروه از جامعه می‌پردازد. از سوی دیگر مونتسکیو در فضای طنز و لطیفه‌گویی به قدری از مردم سرزمین خود و همشهریانش بدگویی می‌کند که می‌ترسد مورد حمله آنان قرار گیرد» (مونتسکیو، ۱۳۲۰، ص. ۱۳). مونتسکیوی ترسیده از شرایط جامعه که نمی‌توانست دغدغه‌مندی خود نسبت به شرایط را به فراموشی بسپارد، دست به انتشار مخفیانه کتاب خود زد. بررسی گونه ادبی، بررسی تاریخی و واقعی است که در پی بیان اصالت و تقلید است و از «تحول تاریخی گونه ادبی در ادبیات مختلف پرده برمی‌دارد و انتقال این گونه ادبی را در طول تاریخ به ملت دیگر بررسی و تحقیق می‌کند» (کفافی، ۱۳۸۹، ص. ۲۳). همان‌طور که بررسی زمینه تولید مکتوبات کمال‌الدوله ما را به شرایط مشابه به نامه‌های ایرانی می‌رساند. آخوندزاده در ابتدا تحت تأثیر خانواده مادری‌اش تربیتی دینی را تجربه می‌کند. «او نزد دایی خود «حاج علی‌اصغر» تحصیلات مقدماتی را که شامل آموزش قرآن و فراگیری زبان‌های عربی و فارسی بود، شروع کرد.» (آرین‌پور، ۱۳۵۷، ص. ۳۴۷). پیش از سفر حج حاج علی‌اصغر، آخوندزاده را برای فراگیری فقه و اصول به مسجد شاه‌عباس گنجه می‌فرستد. در آنجا، میرزا شفیع، معلم خوش‌نویسی، با آخوندزاده مراوده می‌کند. این ارتباط، چنان‌که از متن پیداست، آخوندزاده را به نقد اسلام سوق داد و مسیر زندگی او را نیز دگرگون کرد. شک‌گرایی نسبت به آموزه‌های دینی و تلاش برای یادگیری مجدانه زبان روسی، منجر به شکل‌گیری جهان‌بینی‌ای متفاوت در آخوندزاده گردید. انتشار مکتوبات کمال‌الدوله، نشان‌دهنده میل آخوندزاده به انتقاد از شرایط اجتماعی و مذهبی آن زمان است. جالب آنکه آخوندزاده از واکنش منفی احتمالی مسلمانان به این کتاب آگاه بود و بر

خلاف ادعای خود مبنی بر ایجاد لرزه در منطقه، از دوستانش خواست که از افشای آن خودداری کنند. «اما سرگذشت مرا یعنی بیوگرافی مرا مبادا در زبان فارسی به چاپ رسانیده و مبادا در زبان فارسی اشاره نمایید که این کتاب را آخوندزاده تصنیف کرده است. به علت این که در ملت ما هنوز آزادی خیال نیست و اگر هم‌کیشان من می‌دانند که من چنین کتابی را تصنیف کرده‌ام، هر آینه نسبت به من عداوت شدید اظهاری خواهند کرد» (آخوندزاده، ۱۳۵۷، ص. ۳۵۴). مونتسکیو و آخوندزاده، هر دو با تربیت دینی و در جوامع مستبد رشد یافته، در دوران بلوغ فکری خود، آموخته‌ها و شرایط جامعه خود را مورد بازنگری انتقادی قرار دادند. آنان با انتشار آثار خود به‌صورت ناشناس و در کشورهای همجوار، در پی به اشتراک گذاشتن این دیدگاه‌های جدید با هم‌وطنان خود بودند، در حالی که می‌خواستند از تبعات احتمالی این اقدام نیز در امان بمانند.

۲-۲. مقایسه ساختار و محتوا

بخش اعظم رمان‌های مکاتبه‌ای به‌واسطه ذکر مستقیم در عناوین خود، و ساختار ویژه مبتنی بر تبادل نامه‌ها، فرصت مناسبی برای مطالعه بینامتنی فراهم می‌آورند. در پژوهش‌های پیشین نشان داده‌ایم که چگونه آخوندزاده با بهره‌گیری از الگو و مضامین نامه‌های ایرانی، اثری خلق کرده است که هم‌گرایی‌هایی با اثر پیشین دارد و در عین حال با بازآفرینی و تحول آن، تفاوت‌هایی نیز ایجاد می‌کند؛ بنابراین، پس از بررسی تأثیرات متقابل فرهنگی و اجتماعی این دو اثر و گونه‌شناسی آن‌ها، تلاش خواهیم کرد نقش سبک و روش نگار به‌عنوان معیار ادبی و تأثیر آن بر تولید این آثار را مورد تحلیل قرار دهیم. آخوندزاده با بهره‌برداری از ساختار نامه‌نگاری مونتسکیو، ایده‌های خویش را در قالب نامه‌هایی بین دو شخصیت خیالی منتقل می‌کند. شروع و پایان نامه‌ها زمان، مکان و نویسنده‌ی نامه را مشخص می‌کند. «نامه هفتم - از فاطمه به ازبک - در ارزروم..... حرمسرای اصفهان - ۱۲ ربیع‌الاول/ ۱۷۱۱» (مونتسکیو، ۱۳۸۷، ص. ۵۲). در مکتوبات هم همین شیوه قابل ملاحظه است. «مکتوب سیم کمال‌الدوله، باز از تبریز در ماه رمضان ۱۲۸۰..... کمال‌الدوله» (آخوندزاده، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۱).

یکی دیگر از وجوه مشترک این آثار، دقت نویسندگان رمان‌های ایرانی در بیان نگرانی‌ها و انتقادات نسبت به جامعه مبدأ است؛ به‌طوری‌که در متن نامه‌های شخصیت‌ها مکرراً به ایران و امور مربوط به آن اشاره شده و عقاید و آداب و رسوم آن، زیر سؤال می‌رود. در مکتوبات *کمال‌الدوله*، پیوسته مقایسه‌ای بین ایران کنونی و ایران باستان صورت می‌گیرد، گویی جلال‌الدوله نه از هند، بلکه از آرمان‌شهری به نام ایران باستان آمده است، و جامعه مبدأ را در تمامی سطوح، ستایش می‌کند. «زمان قدیم در خاک ایران در سلسله سلاطین این سیاق رفتار هرگز معروف و معمول نبود. این سیاق رفتار و این‌گونه رسم را در خاک ایران، سلاطین مغول مجری و معمول داشتند» (آخوندزاده، ۱۳۹۵، ص. ۱۶۵). سیاحان خیالی ایرانی مونته‌سکیو، ازبک و ریکا ویژگی‌های فرهنگ فرانسوی را با عبارات متناسب با جهان‌بینی ساختگی ایرانی توصیف می‌کنند. کمال‌الدوله، این سیاح هندی آخوندزاده، نیز از همین روش برای بیان نظرات خود درباره جامعه قاجاری بهره می‌گیرد. افزون بر این، دامنه فرهنگی‌هایی که کمال‌الدوله به آن‌ها می‌پردازد، گسترده‌تر و متنوع‌تر از دوگانه نسبتاً محدود شرق و غرب است که افق فکری شخصیت‌های مونته‌سکیو را محدود می‌کند؛ در حالی‌که ازبک و ریکا، در مسیر حرکت بین فرانسه عصر روشنگری و ایران عصر صفوی، استقرار دارند. شاهزاده هندی داستان آخوندزاده، مجال مقایسه‌های وسیع‌تری را فراهم می‌آورد. در کنار این مقایسه‌های فرهنگی، کمال‌الدوله همچنین به مقایسه‌های بین‌زمانی نیز مبادرت می‌ورزد. «مانند بسیاری از اصلاح‌گران ایرانی عصر خود فکر و ذهن کمال‌الدوله سخت درگیر گذشته پیشااسلامی ایران است. به‌خصوص شکوه از دست رفته دوران ساسانیان این مقایسه‌ها به نقدهایی گسترده از هنجارهای اسلامی و میراث اعراب و نیز خواست اصلاح جامعه اسلامی می‌انجامد و همچنین با بسیاری از منابع بنیادی در درون سنت اسلامی، مانند ابن خلدون و شهرستانی به شیوه‌ای انتقادی درگیر می‌شوند» (جوادی و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۷۳).

آخوندزاده به صورت جدی و وفادارانه از قالب نامه‌نگاری استفاده می‌کند؛ اما محتوا و هدف اثر کاملاً متفاوت است. او به جای تقلید صرف، به بازآفرینی ایده‌ها و مفاهیم می‌پردازد. مونته‌سکیو نامه‌های ایرانی را در کمال واقع‌بینی و نکته‌سنجی نوشته؛ اما بر درستی کار خود مبنی بر دقت و وسواسی که در مورد مطالعه و آداب و رسوم ایرانیان به خرج داده تأکیدی نکرده و در این باره

هیچ یادداشتی نوشته و مسئولیت را به خواننده محول کرده است؛ اما بسیارند «طرح مسائل سیاسی و مذهبی و اخلاقی بسیار ریشه‌دار و پر معنی که ما را از منظور او - که همانا جامعه فرانسه آن زمان است - آگاه می‌سازد. ضدونقیض‌گویی‌ها و ناهمگونی‌ها و حتی اشتباهات چشمگیر در مورد ایران تأکیدی بر این مدعاست» (اعتصام‌زاده، ۱۳۰۴، ص. ۲). در قیاس با مونتسکیو، آخوندزاده، علی‌رغم تیزی و غور در مسائل مبتلابه عصر خویش، فاقد وسواس و دقتی است که مونتسکیو در پرداختن به مسأله هویت هندی کمال‌الدوله از خود نشان می‌دهد و در این خصوص، همانند *نامه‌های ایرانی*، وظیفه استنباط را بر عهده مخاطب می‌نهد. در وهله نخست، آنچه در اثر مونتسکیو به وضوح قابل مشاهده است، تلاش وافر در جهت اعمال صحیح تقویم ایرانی است. مونتسکیو در نگارش اسامی ماه‌های ایرانی، از شیوه شاردن پیروی نموده، که این امر مؤید تأکید وی بر ضرورت ایجاد هماهنگی در اثر خویش است؛ با این حال، وی در تلفیق ماه‌های خورشیدی ایرانی با تاریخ قمری و سال هجری مرتکب اشتباهاتی می‌گردد؛ برای نمونه، ازبک در یکی از نامه‌های خود، مرگ لویی چهاردهم را مورخ چهارم رجب ۱۷۱۵ اعلام می‌دارد، در حالی که تاریخ صحیح این واقعه می‌بایست اول سپتامبر ۱۷۱۵ قید گردد. افزون بر این، به نظر می‌رسد که اسامی شخصیت‌های داستان، بیشتر از «هزار و یک شب» اقتباس شده‌اند؛ به عنوان مثال، نام «ازبک» ریشه‌ای ایرانی نداشته و منشأ تاتاری دارد. از سوی دیگر، زندگی ازبک با آن حرم‌سرای پرتصنع، تداعی گر زندگی شاهان و شاهزادگان دوران صفوی است. تعداد زنان عقدی و صیغه‌ای وی نامشخص است، که این امر مغایر با اندیشه ایرانی است. همچنین، تعداد خواجه‌گان نباید از انگشتان دست تجاوز کنند؛ در حالی که در پایان کتاب، با انبوهی از خواجه‌های سیاه مواجه می‌شویم که به حرم‌سرا وارد شده‌اند.

در مقابل، آخوندزاده در جهت القای هندی‌تبار بودن شخصیت کمال‌الدوله، تلاش چندانی از خود نشان نمی‌دهد. با این وجود، مضامین و مایه‌های مشترک فرهنگی در آثار وی بیشتر به چشم می‌خورند و از اشتباهات فاحش مونتسکیو مبرا است. بارزترین نمود آثار آخوندزاده، در مقایسه با سایر اصلاح‌گران معاصر خود (که در زمینه ضرورت مدرن‌سازی جامعه با وی هم‌نظر بودند)، نفی قاطع سنت‌های اسلامی، از جمله الفبای عربی و اشکال حکمرانی اسلامی است، که

این مهم را می‌توان در مضامین مشترک با *نامه‌های ایرانی* نیز مشاهده کرد. «شما همان قواعد سقراط و بقراط را دست‌آویز کرده، در تشخیص امراض به آرای سفیهانه خود به هر جا می‌نویسید» (آخوندزاده، ۱۳۹۵، ص. ۸۱). نفی این سنت‌ها در مکتوبات وی، به مراتب نیرومندتر از سایر آثار آخوندزاده انعکاس یافته است. فرم مکتوبات آخوندزاده، بیشتر وام‌دار مفهوم اروپایی نقد است؛ از این رو، نوع نقد آخوندزاده از استبداد و حکومت نیز شباهت فراوانی با مکتوبات دارد. آخوندزاده در مکتوبات، از طنز و اغراق به منظور انتقاد از وضع موجود در ایران بهره می‌گیرد. این شیوه انتقادی، با استفاده از طنز، مشابه رویکرد مونتسکیو در *نامه‌های ایرانی* است؛ لیکن با لحنی گزنده‌تر و صراحت بیشتر همراه است.

۳-۲. سبک و روش نگارش

روایت مکاتبه‌ای بستر مناسبی برای انتقاد و بررسی یک واقعه از چندین زاویه متفاوت است. در واقع «شکل آشنای نامه با بیان جامع و بی‌پرده احساسات خصوصی نویسنده فرصتی را مهیا می‌سازد که به‌مراتب از حیطه گفت‌وگوی شفاهی فراتر می‌رود» (وات، ۱۳۸۷، ص. ۳۱۵). در این گونه روایت خواننده از طریق نامه‌هایی که در رمان آمده است؛ وارد فضای داستان می‌شود. از سوی دیگر نامه‌نگاری بیشتر در حکایت‌ها و قصه‌های اخلاقی یا طنز آمیز برای واقعی‌تر جلوه دادن آنها استفاده می‌شود. به طور کلی نامه رسانه بسیار مناسبی برای انتقاد است؛ زیرا وقتی خواننده این گونه روایت را می‌خواند احساس می‌کند که نویسنده صرفاً ویراستار نامه‌های چند شخص واقعی است. در واقع بهره‌گیری از نامه تکیه داستان را از حادثه‌پردازی به تحلیل انتقادی جامعه متمایل می‌سازد و باعث پرورده شدن رویکرد انتقادی در آثار می‌شود. از سوی دیگر خواننده می‌داند که همه چیز در نامه نقل نشده است. این نامعین و ناکامل بودن متن را می‌توان نوعی احترام برای طرز فکری شخصی خواننده دانست که او نیز به مسائل جور دیگری بیندیشد. در آثاری چون *نامه‌های ایرانی* و *مکتوبات کمال‌الدوله* نامه دیگر فقط وسیله انتقال اطلاعات نیست؛ بلکه نشانه دغدغه فکری شخصیت‌هاست که سرخورده از مشکلات پایان ناپذیر جامعه

در خلال نامه‌ها به تجزیه و تحلیل آنها برای عوام می‌پردازند. هدف از هر دو رمان بیشتر از آنکه التذاذ ادبی باشد، رساندن انتقاد به گوش مردم است.

مونتسکیو در *نامه‌های ایرانی* به نقد جامعه فرانسه، مردم فرانسه و دین مسیحیت می‌پردازد. «گاهی یک نفر از پشت سر می‌آید و با سرعتی که دارد از من جلو می‌زند و چنان به من تهنه می‌زند که در جای خود یک نیم دایره چرخ می‌زنم» (مونتسکیو، ۱۳۸۷، ص. ۹۳). آخوندزاده نیز در کتابش شدیدترین حملات را به اسلام و رفتارهای نادرست مردم ایران کرده است. «این کمال‌الدوله تصنیفی است که نظیرش بدین وضوح و بدین دلایل تا امروز در حق دین اسلام به قلم نیامده است. نه بدان سبب که حکمای اسلامی به مطالبش واقف نبوده‌اند، خیر؛ بلکه واقف بوده‌اند؛ اما هیچ‌کس از ایشان با اظهار معلومات خود تصریحاً جسارت نکرده است» (آخوندزاده، ۱۳۵۷، ص. ۳۵۴). انتقاد آخوندزاده مانند مونتسکیو تنها از جامعه و دین نیست «مکتوبات کمال‌الدوله» گرچه هر رساله‌ای سیاسی و فلسفی است که در انتقاد از اوضاع زندگی اجتماعی مسلمانان و دین اسلام به نگارش درآمده و در آن به مقایسه دو مدنیت اسلامی و غربی توجه شده است؛ اما حاوی نکاتی در زمینه مباحث نظری مربوط به ادبیات نیز هست» (آجودانی، ۱۳۹۳، ص. ۶۳)؛ بنابراین هر دوی این نویسندگان با بهره‌گیری از ظرفیت نامه آن را رسانه انتقاد از جامعه، دین و نمودهای فرهنگ از جمله ادبیات قرار داده‌اند. رمان *نامه‌های ایرانی* اثر مونتسکیو سیر روایت منطقی و پرهیجانی دارد. ازبک و ریکا دو دوست در کشور فرانسه هستند که در طی مکتوباتی که با هم دارند، مسائلی را مطرح و گفت‌وگو می‌کنند. نامه‌های ارسالی از ایران، عموماً از طرف خواجه و زنان حرم‌سرای ازبک است که حوادث روز مملکت و اتفاقات بدیمن مانند خودکشی سوگلی حرم‌سرای او را به اطلاع ارباب می‌رسانند. ازبک که ارباب ثروتمندی است زنان نامشخص حرم‌سرای خود را به خواجه سپرده و راهی سفر شده است. در متن نامه‌ها شاهد بی‌نظمی‌هایی که در حرم‌سرا اتفاق می‌افتد جاسوسی‌ها و زبان‌بازی‌های زنان و در نهایت نیز مرگ سوگلی هستیم. در قالب نامه‌ها علت مهاجرت و سفر ازبک به فرانسه نیز مشخص می‌شود؛

بنابراین روایت نه به صورت مستقیم بلکه به صورت بازگشت‌هایی که در طول نامه‌ها به گذشته دارد بر خواننده آشکار می‌شود. سبک دلنشین نگارش نامه‌های ایرانی که خواننده را مجذوب می‌کند، مستور در نحوه طنزآمیز گزارش از آداب و رسوم رایج در پاریس و اروپا است؛ اما در پشت این طنز هنرمندانه، مون‌تسکیو آموزگار جدی اخلاق پنهان شده است تا دستگاهی را نقد کند که حاکمان آن با قدرت نامحدود و تجاوزکارانه‌اش حق حیات را از ملت گرفته‌اند. به طنز کشیدن فرانسه و داستان غم‌انگیز حرم‌سرای ایرانی دو روی سکه‌ای است که آزادی‌های فردی و قابلیت‌های عمومی را در غیاب نظم و قاعده و قانون به تصویر کشیده است. بخشی از این نامه‌ها به تشریح مذاهب و تشابه آنها به یکدیگر یا تضاد موجود در ادیان از دیدگاه ازبک، پرداخته است.

کتاب آخوندزاده در واقع سه نامه و یک پاسخ‌نامه است که از سوی کمال‌الدوله، شاهزاده ایرانی تبار هندوستان، به دوستش جلال‌الدوله، شاهزاده دیگری در مصر، فرستاده شده است. بیشتر متن نامه‌های این کتاب مانند نامه‌های ایرانی اظهارات این شخصیت‌ها در مورد جامعه و دین است و سیر روایت به صوت مستقیم و مانند نامه‌های ایرانی با کم‌ترین کشمکش در حوادث و بیشترین کشمکش در اظهارنظر و جهان‌بینی شخصیت‌هاست. به طوری که می‌توان گفت تنها اتفاقی که در این کتاب می‌افتد آنست که کمال‌الدوله از دوستش می‌خواهد برایش از مصر یک دوربین عکاسی بخرد و جلال‌الدوله در پاسخ نامه خواسته او را برآورده می‌کند. البته اصرار این دو نویسنده از هراس تکفیر و ارتداد که سبب شده تمام تقصیرات را به گردن شخصیت داستان‌شان بیندازد و ادعای آخوندزاده که می‌گوید نامه‌ها را از جایی به دست آورده و خودش به کلی با حرف‌های کمال‌الدوله مخالف است و جوابیه جلال‌الدوله را می‌پسندد؛ نوعی چندصدائی است و کانون روایت متعدد را نشان می‌دهد که در تقویت سیر روایت این کتاب مؤثر است. آخوندزاده در میان فعالیت‌های ادبی متعدد خود شاعر هم بود. او نسبت به قابلیت گفتار ادبی برای تضعیف عقاید سیاسی از طریق ابزارهای بیانی و شاعرانه آگاه بود. رمان مکاتبه‌ای او فراتر از شگردهای

روایی از هیچ تلاشی برای اسلامی کردن مفاهیم اروپایی دریغ نمی‌کند. پوشش‌های شاعرانه، کنایه و زیرنویس که در آن زمان در فارسی نامعمول بود. او از ارجاعات داخل گیومه استفاده می‌کند تا جان تازه‌ای بر کلام اصلی ببخشد. آخوندزاده در شرح دفاع جلال‌الدوله سخت کوشید تا قوی‌ترین استدلال‌ها را ارائه کند، هرچند با دیدگاه اصلی او مخالف بود. این شگردهای گفت‌وگویی، ویژگی چندصدایی یک رمان در معنایی باختینی را به این متن نامه‌نگارانه می‌بخشد. مؤلفان هر دو اثر از فرم نامه‌نگاری برای بیان ایده‌های خود استفاده می‌کنند و از زبان ادبی و لحن طنزآمیز برای پیشبرد نقد بهره می‌برند.

۴-۲. شخصیت‌پردازی

نامه‌های سیاحان، پرفروش‌ترین آثارِ اوایلِ دورانِ مدرن در اروپا بودند. مثلاً نامه‌های سیاح ایتالیایی «آمریگو وسپوچی» (۱۴۵۴-۱۵۱۲) که حدود سال ۱۵۰۲ در گردش بود، آن‌قدر خوب نوشته شده بود که نام او را به نیم کره جدید جهان که خوانندگان در نوشته‌های او یافته بودند، منسوب ساخت. چرخش داستانیِ نوینی که در اواخر قرن هفدهم و اوایل قرن هجدهم رخ داد، باعث شد که نامه‌های مسافران روندی معکوس را پیش بگیرد و هدف از جستارشان برعکس شود: «داستان‌های نامه‌نگارانه مسافران به‌جای شرح ماجرای یک اروپایی در آمریکا، سپاهان (اصفهان) یا قسطنطنیه، به بیان شرح‌حال یک تُرک در پاریس (Marana)، یک چینی در لندن (Cadalso) یا یک مراکشی در مادرید (Goldsmith) می‌پرداختند» (Melville logan, 2011, p.9). رمان نامه‌های/یرانی نیز در ادامه چنین روندی انتشار و مورد اقبال قرار گرفت. در بستر روایت، نامه‌نگاری همواره نیاز به یک توجیه دارد. در این دو اثر شاهد هستیم که مسافر خارجی وارد جامعه جدید می‌شود و به علت بعد مسافت یا عدم امکان ملاقات با گیرنده، مشاهدات خود را در قالب نامه می‌نویسد. درواقع «نامه‌نگاری فرصتی در اختیار نویسنده قرار می‌دهد تا احساسات و عکس‌العمل‌های اشخاص را بدون اینکه حضور سنگین خود را بر داستان تحمیل کند» (فدوی شکری، ۱۳۸۶، ص. ۱۴۱) طوری بنویسد که خواننده حضور نویسنده را احساس و اعتقادات خود

را با او در میان بگذارد. در ایران نیز شخصیت اصلی نخستین رمان‌ها «روشنفکران نقادی هستند که در پهنه جامعه به گشت و گذار می‌پردازند و شگفت‌زده از مشاهده جنبه‌های تاریک اجتماع افکار اصلاح‌طلبانی خود را طی گفتارهایی بیان می‌کنند» (میرعابدینی، ۱۳۹۹، ص. ۳۹). در واقع می‌توان داور اخلاقی شخصیت‌ها نسبت به وقایع زمانه را از ویژگی‌های خاص روایت‌های مکاتبه‌ای دانست.

رمان مکاتبه‌ای، به سبب ساختار ذاتی خود، با تمرکززدایی از شخصیت محوری، ضرورت ورود برنامه‌ریزی‌شده و هدفمند شخصیت‌ها به درون روایت را متفی می‌سازد. با این حال، از آنجایی که این نوع روایت، بستری مناسب برای طرح و تبادل گفتمان‌های اخلاقی، فلسفی و سیاسی فراهم می‌آورد، حضور چند شخصیت، به منظور بررسی واقعه یا اندیشه مورد بحث از زوایای دید گوناگون، امری ضروری به نظر می‌رسد. در هر دو اثر مورد بحث، مشاهده می‌شود که مسافری بیگانه، با رویکردی انتقادی، مشاهدات خود از جمله شرایط اجتماعی و آداب و رسوم بومی را در قالب نامه‌هایی برای مخاطبان خود به نگارش درمی‌آورد. در واقع، همین محوریت گفت‌وگو در رمان‌های مکاتبه‌ای است که موجب تعارض و تقابل دیدگاه‌های شخصیت‌ها می‌گردد. ازبک، شخصیتی ایرانی‌تبار، احساساتی، منطقی، نافذ، جدی و کنج‌کاو در حوزه مفاهیم فلسفی علوم نظری و عملی است. نامه‌هایی که این شخصیت برای ساکنان حرم‌سرای خود می‌نویسد، سیمایی از دیدگاه‌های اجتماعی، اخلاقی و فلسفی مونتسکیو را از پس سطور آشکار می‌سازد. «پاپ به مردم قبولانده است که سه همان یک است و نانی که می‌خورند نان نیست و شرابی که می‌خورند شراب نیست» (مونتسکیو، ۱۳۸۷، ص. ۹۵). افزون بر ازبک، ریکا نیز در خصوص مشاهدات خود اظهار نظر کرده و آن‌ها را برای دوست خویش بازگو می‌کند. دیگر شخصیت‌ها، از جمله خواجه، سوگلی و چند تن از زنان ازبک، رمان نامه‌های/ایرانی را از منظر شخصیت‌پردازی غنا می‌بخشند. شیوه داستان در داستان نیز، بر جذابیت این اثر می‌افزاید.

در *مکتوبات کمال‌الدوله* اثر آخوندزاده، گفت‌وگوی اصلی میان دو شخصیت کمال‌الدوله و جلال‌الدوله شکل می‌گیرد و در خلال متن نامه‌ها، اشاراتی نیز به چند تن از اهالی تبریز به چشم می‌خورد. «در یک طرفی مردی نشسته است. جبه ماهوت در بر، شال کشمیری در کمر، کلاه بخارا در سر، با ریش طویل و محنا و مرنگ. در صورت می‌بینی که آدم است.» (آخوندزاده، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۴). در این رمان نیز، مشابه اثر مونتسکیو، نویسنده خود را ملزم به شخصیت‌پردازی تفصیلی نمی‌داند و شخصیت‌ها را بدون معرفی کامل و با پیش‌زمینه اطلاعاتی محدود، وارد جریان روایت می‌کند. در هر دو اثر، آرا و عقایدی مطرح می‌شوند که در دوره پس از انتشار اثر، جایگزین آرا و عقاید پیشین می‌گردند. تا حدی می‌توان مدعی شد که این آثار، در نظام تغییر و تحولات جوامع خود مؤثر بوده‌اند. علی‌رغم وجود جنبه‌های اغراق‌آمیز و غیرواقعی فراوان در سفرنامه‌های رایج در آن دوران، روحی نزدیک به واقعیت و دیدگاهی انتقادی نیز در آن‌ها مشهود بود. «این‌گونه نوشته‌ها در نزد عامه مقبولیت قابل ملاحظه‌ای به دست آورد؛ زیرا تفاوت‌ها و شباهت‌ها آن‌ها را به هیجان می‌آورد و به‌طور کلی انبوهی از احساسات اجتماعی و سیاسی آنان را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌داد» (عشقی، ۱۳۷۸، ص. ۲۷۴). در کتاب *نامه‌های ایرانی* در توصیف فرانسویان آن‌ها را افرادی متملق، خودشیفته، قدرت‌طلب، بی‌اعتنا به تجارت و قضاوت، مناقشات ادبی بی‌فایده، تحریر قبل از تفکر و معتقد به خرافات معرفی می‌کند. آخوندزاده در مهم‌ترین فرازهای *مکتوبات کمال‌الدوله* از زبان این شاهزادهٔ هندی با آه و حسرت نسبت به ایران باستان سخن را آغاز و چنین می‌گوید «ای ایران! کو آن شوکت و سعادت تو که در عهد کیومرث و جمشید و گشتاسب و انوشیروان و خسرو پرویز می‌بود که اگر چه آن گونه شوکت و سعادت در جنب شوکت و سعادت حالیه ملل فرنگستان و ینگگی دنیا به منزلهٔ شمعی است در برابر آفتاب، لیکن نسبت به حالیه ایران مانند نور است در مقابل ظلمت» (آخوندزاده، ۱۳۹۵، ص. ۳۰). از دیدگاه او، ایران در دوران باستان به لحاظ سیاسی، وسعت ارضی، علمی و فرهنگی نسبت به ایران اسلامی برتری و تفوق خاصی داشت. آخوندزاده در *مکتوبات* می‌نویسد

«وقتی خلق از جهالت آزاد شود و به آزادی برسد و از دست شاه مثبت نیز آزاد شود، آنگاه به مرکز همین آزادی شاه مثبت نیز با لقب دیگر رئیس ملت شده و محبوب کل مردم و ممنوعه کل آفاق می‌شود» (آجودانی، ۱۳۸۲، ص. ۱۸۹). این منتقد خارجی که به طور کامل برگزیده ایران تسلط دارد؛ زبان گزنده و قلم نیش‌دار خود را به کار می‌گیرد و بر همه چیز می‌تازد. در هر دوی این رمان‌ها نویسندگان دلسوزانه در رفتارهای مردم زمانه خود خوض نموده و با اغراق و درشت‌نمایی آن را برای مردم جامعه واضح و آشکار می‌گردانند. با این تفاوت که نامه‌های/یرانی بیشتر رفتار عامه مردم را نقد می‌کند؛ ولی مکتوبات بیشتر نقد حکومت و استبداد حاکم را مدنظر دارد.

۳. نتیجه‌گیری

تحلیل ریشه‌های رمان مکاتبه‌ای در ادبیات ایران، به ویژه بررسی اثر *مکتوبات کمال‌الدوله* اثر میرزا فتحعلی آخوندزاده، اهمیتی بسزایی در شناخت این گونه ادبی دارد. آخوندزاده، با الهام از ادبیات غرب و به ویژه *نامه‌های ایرانی* اثر مونتسکیو، اثری تأثیرگذار در قالب مکاتبه و با مضامین اجتماعی خلق کرد. با استفاده از نظریه بینامتنیت، که ارتباط متون را از دیدگاه‌های متفاوت تحلیل می‌کند و در بررسی ریشه‌های پیوستگی انواع ادبی در گذر زمان کارآمد است، می‌توان تغییرات و شباهت‌های بین *مکتوبات کمال‌الدوله* و *نامه‌های ایرانی* را به شیوه‌ای توصیفی و تحلیلی بررسی کرد و تأثیر انتخاب فرم نامه‌نگاری بر پیام‌های اجتماعی این آثار را روشن ساخت.

مونتسکیو و آخوندزاده، که هر دو در محیطی با تربیت دینی و تحت نظام‌های مستبد رشد کرده بودند، در دوران بلوغ فکری خود، با نگاهی نقادانه به آموخته‌ها و شرایط جامعه نگرستند و با انتشار آثار خود به صورت ناشناس و در کشورهای مجاور، سعی در سهیم کردن هم‌وطنان خود در این دیدگاه جدید داشتند و درعین حال، از عواقب آن نیز در امان بودند. تفاوت‌های فرهنگی این دو مؤلف، تأثیری انکارناپذیر بر محتوای آثارشان داشته است. مونتسکیو در *نامه‌های ایرانی* به نقد جامعه فرانسه، مردم فرانسه و دین مسیحیت می‌پردازد؛ در حالی که آخوندزاده در اثر خود، شدیدترین حملات را به اسلام و رفتارهای نادرست مردم ایران وارد می‌کند. بدین ترتیب، هر دو نویسنده با بهره‌گیری از ظرفیت نامه‌نگاری و در لباس منتقدی خارجی، نامه را به رسانه‌ای برای انتقاد از حکومت و ارائه راهکارهایی برای بهبود شرایط تبدیل می‌کنند. در هر دو اثر، شاهد حضور مسافری خارجی هستیم که با نگاهی منتقدانه، مشاهدات خود از جمله شرایط جامعه و آداب و رسوم آن را در قالب نامه برای مخاطب می‌نویسد. همین گفت‌وگومحوری رمان‌های مکاتبه‌ای است که نظرات شخصیت‌ها را در تعارض قرار می‌دهد.

مؤلفان هر دو اثر، از فرم نامه‌نگاری برای بیان ایده‌های خود استفاده کرده و از زبان ادبی و لحن طنزآمیز برای پیشبرد نقد بهره می‌برند. از نظر روایت‌شناسی نیز، دو اثر به هم نزدیک هستند.

سیر روایت در نامه‌های ایرانی غیرمستقیم و ساده است، در حالی که در مکتوبات کمال‌الدوله به صورت مستقیم و ساده پیش می‌رود. این پژوهش نشان می‌دهد که مکتوبات کمال‌الدوله آخوندزاده، با الهام از نامه‌های ایرانی مونتسکیو، به خلق اثری با محتوای متفاوت پرداخته است. آخوندزاده با استفاده از ساختار نامه‌نگاری و رویکرد انتقادی مونتسکیو، به بازآفرینی ایده‌های خود در بستر فرهنگی و سیاسی ایران پرداخته است. بررسی تطبیقی این دو اثر، روندهای فکری و ادبی را که در زمانه‌های پرتلاطم سیاسی و اجتماعی شکل می‌گیرند، روشن می‌سازد.

کتابنامه

- آجودانی، م. (۱۳۸۲). *مشروطه ایرانی*. تهران: اختران.
- آجودانی، م. (۱۳۹۳). *یا مرگ یا تجدد*. چاپ پنجم. تهران: اختران.
- آخوندزاده، م. ف. (۱۳۵۷). *مکتوبات و الفبای جدید*. تبریز: احیا.
- آخوندزاده، م. ف. (۱۳۹۵). *مکتوبات کمال‌الدوله*. به اهتمام علی اصغر حقدار. باشگاه ادبیات.
- آدمیت، ف. (۱۳۴۹). *اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده*. اول. تهران: خوارزمی.
- آرین پور، ی. (۱۳۵۷). *از صبا تا نیما*. جلد اول. چاپ چهارم. تهران: سپهر.
- آلن، گ. (۱۳۸۰). *بینامتنیت*. تهران: مرکز.
- اعتصام‌زاده، ا. (۱۳۰۵). مونتسکیو و نامه‌های ایرانی. *نشریه آینده*، (۱).
- بارت، ر. (۱۳۷۳). مرگ نویسنده. ترجمه‌ی داریوش کریمی. پژوهشگاه علوم انسانی (هنر)، ۲۵، ۳۷۷-۳۸۱.
- بیضاوی، س. (۱۳۸۳). تحقیقی پیرامون نامه‌های ایرانی اثر مونتسکیو. *مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*، ۴۷، ۳۷-۵۲.
- جوادی، ح. و همکاران. (۱۴۰۲). *طلایه‌دار مدرنیسم سیاسی در ایران: میرزا فتحعلی خان آخوندزاده*. تهران: اگر.

- زرقانی، س. م.، و باغدار دلگشا، ع. (۱۳۹۵). رویکردهای روشنفکران عصر مشروطه به داستان‌ها و روایت‌های ملی. *پژوهش‌های ادبی*، ۵۱، ۳۲-۹.
- شکری، ف. (۱۳۸۶). *واقع‌گرایی در ادبیات داستانی*. تهران: نگاه.
- شیخ زاده، س.، و زیار، م.، و رحیم تبریزی، پ. (۱۴۰۳). روایت‌شناسی رمان بینوایان اثر ویکتور هوگو براساس الگوی ژرار ژنت. *پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه*، ۷ (۱)، ۱۰۸-۱۳۱.
- عشقی، ف. (۱۳۷۸). ایران در نامه‌های ایرانی مونتسکیو. *بخارا*، ۵، ۲۷۳-۲۷۹.
- عشقی، ف. (۱۳۸۹). آموزش‌های انسان‌گرایانه در رمان نامه‌های ایرانی مونتسکیو - شاهکار قرن ۱۸. *فصلنامه‌ی علوم اجتماعی*، ۵۱، ۱۸۹-۲۱۸.
- کریستوا، ژ. (۱۳۸۷). *کلام، مکالمه و رمان. به سوی پسا مدرن: پساساختارگرایی در مطالعات ادبی. تدوین و ترجمه پیام یزدانجو. چ دوم. تهران: مرکز.*
- کفافی، م. ع. (۱۳۸۹). *ادبیات تطبیقی. ترجمه‌ی سید حسین سیدی. مشهد: به نشر.*
- گودرزی، غ. (۱۳۸۳). *دین و روشنفکران مشروطه*. تهران: اختران.
- فردوسی، ع.، و همکاران. (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی مقایسه‌ای افکار باستان‌گرایانه میرزا فتحعلی آخوندزاده و ابراهیم پورداود. *فصلنامه‌ی تاریخ*، ۵۱، ۸۷-۱۰۷.
- مهدیزاده، م.، و بامشکی، س.، و تائبی نقندری، ز. (۱۴۰۲). نامه‌نگاری‌های فرانسوی-ایرانی؛ رمان از آن سوی دیوار به مثابه رمانی نامه‌نگارانه. *پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه*، ۶ (۲)، ۸۲-۱۱۰.
- مونتسکیو، ژ. د. (۱۴۰۰). *نامه‌های ایرانی. ترجمه‌ی محمد مجلسی. تهران: دنیای نو.*
- میرعابدینی، ح. (۱۳۹۹). *تاریخ ادبیات داستانی ایران*. تهران: سخن.
- نامور مطلق، ب. (۱۳۹۰). *درآمدی بر بینامتنیت، نظریه‌ها و کاربردها*. تهران: سخن.
- نامور مطلق، ب. (۱۳۸۶). *ترامیت مطالعه‌ی روابط یک متن با دیگر متن‌ها. پژوهشنامه علوم انسانی*، ۵۶، ۱۲۷-۱۴۲.

نامور مطلق، ب. (۱۳۸۶). مطالعه‌ی ارجاعات درون‌متنی در مثنوی با رویکرد بینامتنی. پژوهشنامه علوم/انسانی، ۵۴، ۴۴۲-۴۲۹.

وات، ا. (۱۳۸۷). پیدایی قصه. ترجمه‌ی ناهید سرمدی. تهران: نشر قلم.

یونسی رستمی، م.، و عبدی، آ. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی مضامین مشترک در چهار رمان مکاتبه‌ای (نامه‌های ایرانی، رنج‌های ورتر جوان، نامه‌های عاشقانه یک پیامبر و مجنون لیلی). فصلنامه پژوهش‌های تطبیقی زبان و ادبیات ملل، ۲، ۶۶-۸۳.

Melville Logan, P [General Editor]. (2011). *The encyclopedia of novel*. Uk.black wells.